

ح. حارث

## انقلاب نیکاراگوا

### در اوضاع و شرایط جدید

سی سال پیش، انقلاب مردمی ساندنیستها پیروز شد و «ساندینو» برای دهقانان گفته بود: روزی ما پیروز خواهیم شد؛ اگر من زنده نبودم، مورچه ها خواهند آمد و برایم قصه خواهند کرد.

تا آنکه مورچه ها به تاریخ ۱۹ جولای سال ۱۹۷۹ آمدند و به ساندینو گفتند: «جنرال! مأموریت انجام شد؛ نیکاراگوا آزاد است.»

خلق نیکاراگوا، تحت رهبری جبهه آزادیبخش ملی نیکاراگوا (Frente -FSLN Sandinista de Liberacion Nacional) از شر سوموزای مستبد خود را نجات دادند. در همان روز شورای حکومت ملی، که در جریان سال ۱۹۷۹ در کوستاریکا تشکیل شده بود، قدرت را بدست گرفت. همراه با دانیل اورتیگا از جبهه ساندنیست، متحدین وی سرگیو رامیریز و مویزیس حسن، هم چنان از اردوگاه مدنی ویولیتا چومورو و آلفنسواوبلو حضور داشتند. همه آنها پروگرام «FSLN» را که به تاریخ ۲۹ ماه می در رابطه به بازسازی ملی اعلام شده بود، پذیرفته بودند. اما پس از کسب قدرت، اختلافها بروز نمودند. اردوگاه مدنی از مصادره اموال و دارایی سوموزا شانه خالی کردند. آغاز سال ۱۹۸۱ چومورو و اوبیلو حکومت را ترک گفتند و اوبیلو به هیئت مدیره مخالفان پیوست. جبهه ساندنیست و متحدین وی تنها ماندند. آنها پروگرامهای سواد آموزی، امور صحتی و آموزش و پرورش را آغاز کردند. برای دهاقین بی زمین، زمینهای سوموزا توزیع شد، کوپراتیفها تشکیل گردید، شرکتهای تولیدی و کارخانه های سوموزا به ملکیت کارگران در آمد.

در سال ۱۹۸۴ جبهه ساندنیست انتخابات را اعلام داشت و در آن برنده شد، دانیل اورتیگا رئیس جمهور انتخاب گردید. در سال ۱۹۸۷ به ابتکار جبهه ساندنیست، قانون

اساسی جدید به تصویب رسید ساختار جبههٔ ساندنیست دگرگون شد. از سازمان سیاسی - نظامی باید به جبههٔ مردمی گذار میکرد.

انقلاب ساندینیستی برای اولیگارش‌ی و ادارهٔ ایالات متحدهٔ آمریکا خارچشم بود. جنگ را علیه آنها سازمان دادند و اقتصاد آنرا تحریم کردند. زمانیکه رهبری اتحادشوروی در سال ۱۹۸۷ ساندنیستها را تنها گذاشتند و جنگ علیه آنها صلح را در امریکای لاتین به خطر مواجه می ساخت، حکومت ساندنیستها مذاکره با رهبری مخالفین را یگانه راه بیرونرفت مطرح نمود. و به خاطر صلح، به‌آ بزرگ یعنی قدرت را تسلیم نمودند. ساندینیستها در انتخابات سال ۱۹۹۰ علیه ائتلاف ۱۷ حزب، که ویلیتا چومورو آنرا رهبری میکرد، شکست خوردند. تبصره های که در سال ۱۹۹۵ صورت میگرفت برداشتهای گوناگون از ساندنیستها داشتند: خوابهای برباد رفته، دانیلیزم، نیولیبرالیسم و غیره. اما تصور ما از ساندینیسم مأموریت وطنپرستانهٔ یک دهستان است که مستقل و خود مختار بوده و در برادری با خلقهای امریکای لاتین و حوزهٔ کارائیب زنده گی با همی را به پیش میبرند. اندیشهٔ ساندینو از بولیوار، سکری، مارتین و دیگرها میباشد که علیه استعمار اروپا، مداخله های امریکای شمالی همچنان اولیگارش‌ی داخلی از خود دفاع میکرد و دفاع میکند. ساندینیسم، آمیزهٔ از هومانیزم، مسیحیت و مارکسیزم میباشد.

جبههٔ ساندنیستها بعد از شکست سال ۱۹۹۰، طی ۱۶ سال مبارزه دوباره در انتخابات برنده شدند و به قدرت رسیدند.

در سال ۱۹۹۱، جبهه به حزب تغییر نام داد و در اولین کنگرهٔ خود با دو خط مشی ستراتیژیک مواجه شد. سرگیو رامیریز معاون اورتیگا در حکومت نخست، نظریهٔ رفورمیستی را مطرح نمود. طرفداران دانیل اورتیگا خواستند برای سیاستمداران نیولیبرال جواب انقلابی بدهند. گرایش اورتیگا مؤفقانه بود، اما در فراکسیون «FSLN» در اسامبلهٔ ملی، روابط نیروها به گونهٔ دیگر بود. از جملهٔ ۳۸ نماینده، رامیریز ۳۰ نماینده را با خود داشت. آنها فعالیت را علیه خط مشی حزب شروع نمودند. در سال ۱۹۹۵ رامیریز فراکسیون را منشعب ساخت و جناح دیگری را به نام

«نهضت نوسازی ساندنیست» (MRS) تشکیل داد. وی را دورا ماریا تیلیس، مونی‌کابل‌تودانو، وکتور هوگو تینوکو و دیگران همراهی کردند. گروه‌های نهضت نوسازی ساندنیست کرسیهای «FSLN» را به شورای عالی انتخابات، دادگاه عالی، دادستانی کل کشور و احزاب منشعب شده‌ی ائتلاف از هم پاشیده‌ی خانم چامورو، بخشیدند.

«FSLN» در سال ۱۹۹۶ در انتخابات ریاست جمهوری، ۴۲ درصد آرا را به دست آورد. برنده‌ی مطمئن درین انتخابات شناخته می‌شد. ناگهان، شورای عالی انتخابات با شعبده بازی ۵۴ درصد رأی را برای حزب لیبرال (PLC) آرنولدو الیمانس، از زیر کلاه بیرون کشید. در کشور بحران ایجاد گردید آیا با انتخابات تقلبی، رئیس جمهور انتخاب می‌شد و یا انتخابات جدید صورت می‌گرفت؟ در چنین اوضاع و شرایط حزب لیبرال (PLC) برای «FSLN» عهد نامه‌ی را پیشنهاد کرد: در صورتیکه «FSLN» نتیجه‌ی انتخابات را بپذیرد، در عوض «PLC» از کرسیهای خود در مرجع قضایی خود داری نموده و نتایج اصلاحات ارضی را باطل نخواهد ساخت. «FSLN» پذیرفت. جناح نهضت نوسازی ساندنیست دسیسه را باخت. در سال ۱۹۹۸ رامیریتز از تمام وظایف سیاسی کنار رفت. در سال ۲۰۰۱ «FSLN» و اورتیگا بار دیگر انتخابات را باختند. اگرچه در نظر سنجیها تا سپتامبر همیشه به جلو قرار داشتند.

بعد از ۱۱ سپتامبر اداره‌ی ایالات متحده توانست اردوگاه مدنی را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری متعهد سازد. در صورت پیروزی ساندنیستها، آنها با تحریم مواجه خواهند گردید. کاندید دلخواه ایالات متحده «بلانوس»، رئیس جمهور کشور شد.

در نوامبر سال ۲۰۰۶، ۳۸ درصد مردم نیکاراگوا دانیل اورتیگا را به صفت رئیس جمهور خود انتخاب نمودند. این بار پلان ارتجاع عملی نشد.

در ماه می، نهضت نوسازی ساندنیست در میامی، با ۳ کاندید گروههای مدنی معامله‌ی را انجام دادند، که در صورت دور دوم انتخابات آنها از نورچشمی ایالات متحده «ادواردو مونتی الگرو» پشتیبانی خواهند کرد. نهضت نوسازی با اعضای رهبران ملی، هنری روییز و وکتورتیرادو، در اردوگاه نیو لیبرالها غلطیدند. امروز «MRS» توسط بنیادهای ایالات متحده تمویل می‌گردد.

«FSLN» که ۱۰۰۰۰۰ عضو درین کشور ۵،۵ میلیونی دارد، پروژه های ساندینستی را دوباره آغاز نموده است، آنها توانستند در انتخابات شهرداری ۲۰۰۸ مواضع خود را توسعه بخشند، رویاً اتحاد برادری خلقهای امریکای لاتین و کارائیب در الترناتیف امریکای بولیواری (ALBA) شکل میگیرد. «FSLN» بار دیگر ابتکار عمل دگرگونی جامعه را در دست گرفت. حاکمیت شورای مردم به مثابه ارگان مستقیم دموکراسی به وجود آمد. مبارزه علیه بیسوادی در سطح سال ۱۹۹۰ رسید. امور صحتی دوباره منظم شد. در امور آموزش پرورش و صحت عامه کشور کوبا کمک مینمایند. با کمک کشور ونزیویلا انرژی و مواد سوخت تأمین میگردد. برای کارخانه های کوچک و متوسط خانوادهای دهقانی، پروگرامهای «محو فقر و سودجویی» رویدست گرفته شد. نیکاراگوا توانسته است محصولات خود، از قبیل برنج، جواری و حبوبات به هندوراس و سلوادور و گوشت را به ونزیویلا صادر نماید.

دانیل اورتیگا نمیخواهد که در نیکاراگوا محبوب همه باشد. اما وی شایسته احترام است. وی درسالهای حاکمیت نیو لیبرالها، «FSLN» را همراهی کرد. وی کثافت لجنهایی را که بالای «FSLN» انداختند به دوش کشید. وی از قدر دانی دوستان خود در امریکای لاتین و کارائیب، لذت میبرد. و از موضع ضد امپریالیستی قاطعانه دفاع میکند. مخالفان وی متأسف هستند که نمیتوانند وی را از «FSLN» جدا سازند و فرایند جدید در نیکاراگوا سواى «FSLN» قابل تصور نیست. از انقلاب ساندینیستها نی تنها چیزی به جا مانده بل که در شرایط نو به پش میرود. این همه شایسته گی تاریخی از «FSLN» بود، است و خواهد بود.